

سؤالات آزمون درس: فارسی (۳)	پایه: دوازدهم	رشته: همه رشته‌ها	تاریخ آزمون: ۱۴۰۵/۰۲/۱۹
تعداد صفحه: ۵	مدت آزمون: ۱۰۰ دقیقه	ساعت شروع:	نام و نام خانوادگی:
دوره جمع‌بندی دستور زبان و آرایه‌های ادبی - فارسی (۳) - آزمون نهایی ۱۴۰۵			
استاد: جناب آقای لمسه‌چی			

قلمرو زبانی (۷ نمره)

۱	کدام معنا از واژه «سامان» در مصراع «با جان بودن به عشق در سامان نیست» برنمی‌آید؟ (۱) امکان (۲) در خور (۳) مصلحت (۴) میسر	۰/۲۵
۲	واژه «طاق» در جمله «دیوارهای کهن روم که هنوز طاقِ ضربی دروازه‌های آن باقی است»، با همین واژه در کدام مصراع هم‌معناست؟ (۱) طاق‌پذیر است عشق، جفت نخواهد حریف (۲) چون ابروی معشوقان با طاق و رواق است	۰/۲۵
۳	معنای واژه مشخص شده را بنویسید. «برکش ز سر این سپید معجز/ بنشین به یکی کبود اورند»	۰/۲۵
۴	در بیت زیر، واژه‌ای هم‌معنای واژه «تاب» بیابید. ■ در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد/ عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد	۰/۲۵
۵	در هریک از جمله‌های زیر، املاي درست را از داخل کمانک برگزینید. ■ پس از او، عموی بزرگم که برجسته‌ترین شاگرد (حوزه/حوضه) ادیب بزرگ بود... ■ پیرمرد از داخل (کاذبه/کازیه) روی میز، یک پاکت کهنه را که از جایی برایش رسیده بود، برداشت.	۰/۵
۶	کدام یک از ابیات زیر، فاقد غلط املايي است؟ (۱) تا درد و ورم فرونشیند/ کافور بر آن ظماد کردند (۲) می‌تواند حلقه بر در زد حریم حسن را/ در رگ جان هرکه را چون زلف پیچ و تاب هست	۰/۲۵
۷	در کدام گزینه، املاي واژه‌ای درست نیست؟ شکل درست آن را بنویسید. (۱) زین بی‌خردان سفله بستان/ داد دل مردم خردمند (۲) صریر ملک عطا داد کردگار تو را/ به جای خویش دهد هرچه کردگار دهد	۰/۵
۸	در بیت زیر، واژه‌ای هم‌آوا دارد. آن را مشخص کنید. ■ «تن ز جان و جان ز تن مستور نیست/ لیک کس را دید جان دستور نیست»	۰/۲۵
۹	از میان گروه واژگان زیر، دو املا درست نیست. درست آنها را بنویسید. ■ «سِفله و بدسرشت»/ «چریق و طلوع»/ «ایدونک و این‌چنین»/ «صور و بزم»	۰/۵
۱۰	در کدام گزینه، «صفت مضاف‌الیه» دیده می‌شود؟ (۱) جلد دوم کتاب بینوایان (۲) غرفه بلند آسمانش (۳) چشمه‌آبی سرد	۰/۲۵
۱۱	در گروه‌های اسمی زیر، نوع وابسته و وابسته را تعیین کنید. (أ) اسیر این جهان (ب) هفت فرسخ راه	۰/۵

۰/۲۵	در بیت زیر، وابسته و وابسته را مشخص کنید. ■ «هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش/باز جوید روزگار وصل خویش»	۱۲
۱	در گروه اسمی زیر، هسته و وابسته‌ها و وابسته‌های وابسته را با ذکر انواع مشخص کنید. «سال‌ها پیش، مردی فیلسوف و فقیه که در حوزه درس مرحوم حاجی ملاهادی اسرار مقامی بلند و شخصیتی نمایان داشت، به این ده آمد تا عمر را به تنهایی بگذارد.»	۱۳
۰/۷۵	در گروه اسمی زیر، هسته و وابسته‌ها و وابسته‌های وابسته را با ذکر انواع مشخص کنید. «آقای مصطفی‌خان با کمال متانت، تعارفات معمولی را برگزار کرده و با وقار و خونسردی هرچه تمام‌تر، بر سر میز قرار گرفت. او را به عنوان یکی از جوان‌های فاضل و لایق پایتخت به رفقا معرفی کردم.»	۱۴
۰/۲۵	در بیت زیر، تعداد مفعول‌ها را بنویسید. ■ «بگفت: آنجا به صنعت در چه کوشند؟/بگفت: انده خرنند و جان فروشند»	۱۵
۰/۵	در بیت زیر، نهاد را معین کنید. ■ مال اینجا بایدت انداختن/ملک اینجا بایدت درباختن	۱۶
۰/۵	در بیت زیر، مفعول را تعیین کنید. ■ چو خواهی که پیدا کنی گفت‌وگوی/بباید زدن سنگ را بر سبوی	۱۷
قلمرو ادبی (۵ نمره)		
۰/۵	مفهوم نمادین کلمه مشخص شده را بنویسید. ■ «بشنو این نی چون شکایت می‌کند/وز جدایی‌ها حکایت می‌کند»	۱۸
۰/۵	در کدام بیت، ارتباط معنایی میان دو مصراع بر پایه تشبیه برقرار شده است؟ این کاربرد شاعرانه چه نام دارد؟ ا) بی عشق زیستن را جز نیستی چه نام است؟/یعنی اگر نباشی، کار دلم تمام است ب) شانه می‌آید به کار زلف در آشفستگی/آشنایان را در ایام پریشانی بپرس	۱۹
۰/۲۵	کاربرد واژگان قافیۀ این بیت، کدام آرایۀ ادبی را خلق می‌کند؟ ■ آتش است این بانگ نای و نیست باد/هرکه این آتش ندارد نیست باد	۲۰
۰/۵	آیا نویسنده متن زیر از شاعری پیشین متأثر شده است؟ توضیح دهید. «آخرین چراغ امپراتوری روم را موسولینی روشن کرد که چند صباحی تا حبشه و قلب افریقا نیز پیش راند، اما همه می‌دانیم که «دولت مُستعجل» بود. چه خوش گفته‌اند که «امپراتوری‌های بزرگ هم مانند آدم‌های ثروتمند، معمولاً از سوءهاضمه می‌میرند!»	۲۱
۰/۷۵	با عنایت به متن زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید. «که آن عالم پُرشگفتی و راز، سرایی سرد و بی‌روح شد، ساخته چند عنصر! و آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس، در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد و صفای آهورایی آن همه زیبایی‌ها که درونم را پر از خدا می‌کرد، به این علم عددبین مصلحت‌اندیش آلود و من آن شب، پس از گشت‌وگذار در گردشگاه آسمان، تماشاخانه زیبا و شگفت مردم‌کویر، فرود آمدم و بر روی بام خانه، خسته از نشئه خوب و پاک آن «اسرا»، در بستر خویش به خواب رفتم.» ا) بخش خط‌کشیده چه آرایه‌ای را پدید آورده است؟ ب) در این متن، چه تلمیحی به کار رفته است؟	۲۲

۰/۲۵	۲۳	انتساب کدام اثر به صاحب آن درست نیست؟ (۱) از پاریز تا پاریس: دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی (۲) قصه شیرین فرهاد: نظامی گنجوی (۳) مثل درخت در شب باران: دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی (۴) تمهیدات: عین‌القضات همدانی
۰/۲۵	۲۴	قالب شعری کدام بیت «قصیده» است؟ (۱) وین نغمه محبت، بعد از من و تو ماند/تا در زمانه باقی ست آواز باد و باران (۲) خامش منشین، سخن همی‌گوی/افسرده مباش، خوش همی‌خند
۰/۲۵	۲۵	صاحبان کدام دو اثر یکی‌اند؟ (۱) تذکرة الاولیاء، فی حقیقة العشق (۲) فیه ما فیه، مثنوی معنوی
۰/۲۵	۲۶	نویسنده «بخارای من ایل من» کیست؟
۰/۲۵	۲۷	با استفاده از حافظه خویش کامل کنید: بازا که در هوایت، خاموشی جنونم/.....
۰/۵	۲۸	مصراع درهم‌ریخته زیر را مرتب کنید. بودند - تو - پیش - من - از - بستند - و - نقش - بسیار
۰/۲۵	۲۹	کدام گزینه تکمیل‌کننده مصراع زیر نیست؟ «ای جویبارِ جاری! زین سایه‌برگ مگریز» (۱) بیرون نمی‌توان کرد حتی به روزگاران (۲) کاین‌گونه فرصت از کف دادند بی‌شماران
قلمرو فکری (۸ نمره)		
۰/۲۵	۳۰	مولانا در بیت زیر، چه کسی را سزاوار همراهی نی می‌داند؟ «نی حریف هرکه از یاری برید/پرده‌هایش پرده‌های ما درید»
۰/۲۵	۳۱	از مفهوم کدام بیت، «ضرورت توسل به مُرشد و مراد» برمی‌آید؟ (أ) در عالم پیر، هرکجا برنایی است/عاشق بادا، که عشق خوش سودایی است (ب) آیین طریق از نفس پیر مغان یافت/آن خضر که فرخنده‌پی اش نام نهادند
۰/۲۵	۳۲	مقصود از بخش مشخص شده چیست؟ ■ «با شیر سپهر بسته پیمان/با اختر سَعَد کرده پیوند»
۰/۲۵	۳۳	در عبارت زیر، شرط راه‌یابی به عالم عشق چیست؟ ■ «در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند.»
۰/۲۵	۳۴	مفهوم مشترک دو عبارت زیر چیست؟ (أ) «من نمازم را وقتی می‌خوانم/که اذانش را باد/گفته باشد سر گلدسته سرو» (ب) «صحرايي که حتی درختش، غارش، کوهش و سنگریزه‌اش آیاتِ وحی را بر لب دارد.»
۰/۲۵	۳۵	مفهوم مشترک دو عبارت زیر چیست؟ (أ) در کف‌ها کاسه زیبایی/بر لب‌ها تلخی دانایی/شهر تو در جای دگر/ره می‌بر با پای دگر (ب) صفای آهورایی آن همه زیبایی‌ها که درونم را پر از خدا می‌کرد، به این علم عددبین مصلحت‌اندیش آلود!

۰/۲۵	<p>نویسندگان در متن‌های زیر، کدام ویژگی شعر و ادبیات را منظور نظر خویش داشته‌اند؟</p> <p>۱) «متوجه شدم که قدرت قلم این نویسنده تا چه حد بوده است که فرهنگ و تمدن فرانسوی را حتی در دل دهات دورافتاده ایران مثل پاریز هم فرا برده است؛ کاری که نه سپاه ناپلئون می‌توانست بکند و نه نیروی شارلمانی و نه سخنرانی‌های دوگل!»</p> <p>۲) «نامه برادر با من همان کرد که شعر و چنگ رودکی با امیر سامانی! آب جیحون فرونشست؛ ریگ آموی پرنیان شد؛ بوی جوی مولیان مدهوشم کرد؛ فردای همان روز، ترقی را رها کردم. پا به رکاب گذاشتم و به سوی زندگی روان شدم!»</p>	۳۶												
۰/۲۵	<p>در متن زیر، سه‌رودی شرط رسیدن به عالم عشق را چه دانسته است؟</p> <p>- «و به عالم عشق - که بالای همه است - نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد.»</p>	۳۷												
۰/۲۵	<p>کدام یک از ابیات زیر، به سخن مشهور «كُلُّ شَيْءٍ يَرْجِعُ إِلَىٰ أَصْلِهِ» اشاره دارد؟</p> <p>أ) کز نیستان تا مرا بُبریده‌اند/ در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند</p> <p>ب) هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش/ باز جوید روزگار وصل خویش</p>	۳۸												
۰/۲۵	<p>مفهوم عبارت «شوخی روزگار است که مهد دموکراسی عالم، یعنی آتن، که دو هزار و هشتصد سال قبل، حتی برای آب خوردن در شهر هم مردم رأی می‌گرفتند و رأی می‌دادند، از بیم عقرب جراره دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشیه حکومت سرهنگ‌ها پناه ببرد!» با کدام ضرب‌المثل در ارتباط است؟</p>	۳۹												
۰/۲۵	<p>در اشعار زیر، بر کدام ویژگی عشق تأکید شده است؟</p> <p>أ) آتش عشق است کاندر نی فتاد/ جوشش عشق است کاندر می فتاد</p> <p>ب) خنده تو در پاییز/ در کناره دریا/ موج کف آلوده‌اش را/ باید برفرازد</p>	۴۰												
۰/۲۵	<p>مفهوم بیت «در ره عشق نشد کس به یقین محرم راز/ هرکسی بر حسب فکر گمانی دارد» از کدام بیت دریافت می‌شود؟</p> <p>أ) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست/ لیک کس را دید جان دستور نیست</p> <p>ب) سر من از ناله من دور نیست/ لیک چشم و گوش را آن نور نیست</p> <p>ج) هر کسی از ظن خود شد یار من/ از درون من نجست اسرار من</p> <p>د) در نیابد حال پخته هیچ خام/ پس سخن کوتاه باید والسلام</p>	۴۱												
۱	<p>مفهوم مناسب هر عبارت را از ستون (ب) مشخص کنید. (در ستون (ب)، یک مورد اضافی است.)</p> <table border="1" data-bbox="204 1574 1377 2018"> <thead> <tr> <th data-bbox="204 1574 491 1630">(ب)</th> <th data-bbox="491 1574 1377 1630">(الف)</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td data-bbox="204 1630 491 1731">ناپایداری حکومت‌ها</td> <td data-bbox="491 1630 1377 1731">من که هر آنچه داشتم اول ره گذاشتم حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو</td> </tr> <tr> <td data-bbox="204 1731 491 1776">فراق معشوق</td> <td data-bbox="491 1731 1377 1776">سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همه عقل‌ها افزون آید.</td> </tr> <tr> <td data-bbox="204 1776 491 1877">برتری عشق</td> <td data-bbox="491 1776 1377 1877">کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند؟</td> </tr> <tr> <td data-bbox="204 1877 491 1977">دشواری راه عشق</td> <td data-bbox="491 1877 1377 1977">شو منفجر ای دل زمانه! وان آتش خود نهفته مپسند!</td> </tr> <tr> <td data-bbox="204 1977 491 2018">دعوت به ظلم‌ستیزی</td> <td data-bbox="491 1977 1377 2018"></td> </tr> </tbody> </table>	(ب)	(الف)	ناپایداری حکومت‌ها	من که هر آنچه داشتم اول ره گذاشتم حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو	فراق معشوق	سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همه عقل‌ها افزون آید.	برتری عشق	کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند؟	دشواری راه عشق	شو منفجر ای دل زمانه! وان آتش خود نهفته مپسند!	دعوت به ظلم‌ستیزی		۴۲
(ب)	(الف)													
ناپایداری حکومت‌ها	من که هر آنچه داشتم اول ره گذاشتم حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو													
فراق معشوق	سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همه عقل‌ها افزون آید.													
برتری عشق	کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند؟													
دشواری راه عشق	شو منفجر ای دل زمانه! وان آتش خود نهفته مپسند!													
دعوت به ظلم‌ستیزی														

معنای هریک از عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

- از سیم به سر یکی کله خود/ز آهن به میان یکی کمر بند
- بگرای چو ازدهای گرز/بخروش چو شرزه شیر ارغند
- همچو نی زهری و تریاقی که دید؟/همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟
- دل گرمی و دم سردی ما بود که گاهی/مردامه و گاه دی اش نام نهادند
- عشق آتش است؛ هر جا که باشد، جز او رخت، دیگری ننهد. هر جا که رسد، سوزد و به رنگ خود گرداند.
- ای عزیز! به خدا رسیدن فرض است و لابد هر چه به واسطه آن به خدا رسند، فرض باشد به نزدیک طالبان.
- روزگاری از فراز همین برجها، فرمان به سواحل دریای سیاه داده می شده و کرانه های قُرات خط از کرانه رود تیبر می خواندند.
- گل های الماس شکفتند و قندیل زیبای پروین سر زد و آن جاده روشن و خیال انگیزی که گویی یک راست به ابدیت می پیوندد: «شاهراه علی!» «راه مکه»!

۴

۲۰

نمره از «بیست»